

طرحنامه کرسی ترویجی

عنوان فارسی: ضمان منافع از دست رفته اعضا در وضعیت کما و بیهوشی
عنوان انگلیسی: Guarantee of benefits lost in the state of coma and anesthesia
عنوان عربی: ضمان الفوائد المفقودة للأعضاء في حالة الغيبوبة و التخدير

۱. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع: موضوع کرسی ترویجی بطور دقیق و علمی شرح داده شود. گستره و تنوع منافع مغز در بدن به گونه ای است که بر منافع اعضا تأثیر مستقیم دارد و علاوه بر این تأثیرات منافع اختصاصی نیز برای مغز متصور است منافعی که بدون استعانت اعضای دیگر برای مغز بوده و اتفاقاً از درجه اهمیت بالایی برخوردار است مانند هوشیاری شخص که در آن عضوی غیر از مغز دخیل نیست؛ اگر چه با زوال آن، اعضای دیگر نیز عملاً کارایی نخواهند داشت. سؤالی که پژوهش حاضر در صدد پاسخ به آن بر آمده این است که نحوه محاسبه دیه و ارش صدمات تبعی مغز که به تبع زوال منافع اختصاصی صورت می گیرد به چه شکلی است؟ آیا زوال تبعی مذکور موجب تعلق دیه و ارش است؟ برای مثال با فرض عدم هوشیاری منافع زیادی از اعضا سلب می گردد و شخص امکان بهره گیری از اعضای خود را از دست می دهد آیا برای سلب منافع از این اعضا باید دیه و ارش جداگانه ای پرداخت؟
ب. سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ موضوع مذکور در برخی از استفتائات از مراجع معظم محل پرسش بوده است و تنها یک اثر با عنوان <u>دیه و ارش زوال تبعی منافع ناشی از زوال منافع اختصاصی مغز</u> توسط اینجانب به چاپ رسیده است. در مواد قانون مجازات اسلامی در ذیل فصل دیه مقدر منافع به صورت اختصاصی دیه عقل مطرح شده و ذیل آن تنها به برخی از موارد آسیب های مغزی مانند زوال عقل، زوال حافظه و اختلال روانی و بیهوشی اشاره شده است. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۷۵-۶۸۱) مقالاتی در موضوع نظریه پزشکی در زمینه انواع آسیب های مغزی نوشته شده است از جمله آن مقالات: ارتباط تغییرات آهن مایع مغزی نخاعی با آسیب مغز متعاقب ضربه مغزی گروه آناتومی (سعدلو و همکاران، ۱۳۸۶: شماره ۲، ص ۳) اپیدمیولوژی صدمات مغزی بیماران بستری (ابراهیمی فخار و زند، ۱۳۸۹: شماره ۴، ص ۶۱) ولی در هیچ اثری، بحث فقهی آثار زوال منافع به صورت تفصیلی موضوع پژوهش قرار نگرفته است.
ج. موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود. این موضوع در عین حالی که محل ابتلای مراکز قضایی و پزشکی قانونی است و بسیار کاربردی است ولی محل تحقیق جدی قرار نگرفته است. در این پژوهش سعی شده است با مراجعه به قواعد و روایات موجود پاسخ این سوال بدست آید. ارائه استدلال های فقهی جدید برای این مسئله و به عبارتی مستدل سازی این بحث از یک سو و ارائه پاسخ طبق آن از نوآوری های این تحقیق است.
د. فرایند: فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود. در این تحقیق منافع اعضا در حالت بیهوشی و کما، منافع تبعی منافع اختصاصی مغز معرفی شده است.

ادله ثبوت ارش زوال منافع

دلیل اول: روایات ضمان منافع

اطلاق روایات دال بر ضمان منافع، به نوعی دال بر ضمان ارش زوال منافع تبعی است؛ چرا که این روایات اگر در موضوع زوال منافع خود عضو حکم به دیه و ارش کرده اند ولی مضمون آنها قابل تسری به زوال منافع تبعی نیز می باشد به این بیان که این روایات حاکی از مضمون بودن منافع اعضا در فرض جنایت است و تفاوتی بین زوال منافع مستقیم با زوال منافع تبعی نیست؛ چرا که هر دو منتسب به جنایت است.

در روایتی امیرالمؤمنین (ع) مردی را که دیگری را زده و منجر به ذهاب بینایی، شنوایی، تکلم، چشایی، عقل و قوه جنسی وی شده بود به شش دیه محکوم کرد. (کلینی، ۳۲۵/۷:۴۰۷) ظهور روایت دلالت بر مضمون بودن منافع اعضا در فرض جنایت است و خصوصیتی در منفعت مستقیم عضو احساس نمی شود در نتیجه از آن، الغاء خصوصیت می گردد.

در روایت دیگری امام صادق (ع) نسبت به اختلال در تکلم در اثر ضربه، حکم به دیه متناسب با مقدار اختلال کردند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۲/۷) از این روایت برداشت می شود که مقدار دیه ارتباط مستقیمی با مقدار زوال منافع دارد. این موارد و موارد مشابه، نشان می دهد منافع اعضا در فرض جنایت در نزد شریعت مضمون است و از اینکه زوال منافع باید مستقیماً ناشی از جنایت بر عضو باشد صحبتی به میان نیامده است در نتیجه اطلاق این ادله شامل زوال منافع تبعی اعضای بدن نیز می شود.

دلیل دوم: روایت ارش

أبي بصير در روایتی که به روایت جامعه معروف است از امام صادق (ع) نقل کرده که امام فرمود: «ان عندنا الجماعة»
 أبي بصير می پرسد جامعه چیست؟ امام می فرماید: «صحيفة فيها كل حلال و حرام و كل شيء يحتاج اليه الناس حتى
 الأرض في الخدش» (رساله ای که در آن هر حلال و حرامی و هر چیزی که مردم به آن نیاز دارند حتی ارش خراش در
 آن است) سپس امام از أبي بصير اجازه گرفته و او را می فشارد سپس می فرماید: «حتى أرض این» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۴/۱)

طبق این روایت هر زوال و نقصانی از بدن دارای دیه و ارش است و اطلاق آن شامل منافع تبعی ناشی از زوال منافع اختصاصی مغز می گردد در نتیجه قاعده ارش باید به منافع تبعی تسری داده شود.

دلیل سوم: روایت عدم بطلان حق و مال مسلم

در برخی از روایات تأکید شده است حق مسلمان هدر نمی رود بنابراین اگر در نزد عقلا حق برای شخصی مفروض

باشد باید آن حق نسبت به انسان مسلمان رعایت شود و نباید هدر رود طبق این قاعده در صورت مضمون بودن حق و عدم امکان استیفای حق باید به نحوی ولو از بیت المال جبران گردد.

در صحیحہ ابی عبیده، چنین نقل شده است: از امام باقر (ع) از نابینایی که چشم انسان سالمی را در آورده است سؤال شد حضرت می فرماید: جنایت عمدی نابینا مانند جنایت خطایی است و در اینجا دیه در مال او لازم می شود پس اگر مالی ندارد، دیه بر امام لازم است و حق مسلمان از بین نمی رود. هر چند مورد این روایت، دیه می باشد اما فقهای بسیاری مانند آیت الله خویی و تبریزی و آقای ایروانی از تعلیل این روایت در ثبوت ارش استفاده کرده اند. استدلال به این روایات بر این منطقی استوار است که عدم تعیین ارش بر زوال منافع مذکور مستلزم از بین رفتن حق یا حقوقی از مسلمان است و طبق این روایت و روایات مشابه از بین بردن حق مسلمان جایز نیست.

به لحاظ اعتبار سند، این روایت مورد استناد فقهی بسیاری از فقها در مسئله عدم بطلان خون مسلم قرار گرفته است.

از آنجا که زوال منافع تبعی در نزد عقلا سلب حق بهره گیری از اعضا است و چون چنین سلبی منتسب به جنایت است طبق این روایت باید مضمون تلقی گردد و جبران گردد.

دلیل چهارم: قاعده ضمان اتلاف

در مفاد قاعده اتلاف یعنی «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» که قاعده ای اصطیادی است (اصفهانی، ۱۴۱۸: ۳۴۹/۱) موضوع حکم، اتلاف مال غیر است. ضمان ارش منافع با قاعده اتلاف قابل اثبات است؛ زیرا طبق مفاد این قاعده عقلانی هر کسی مال و حق دیگری را تلف کند مسئول جبران آن است. قاعده اتلاف، منافع را نیز در بر می گیرد (عاملی، ۱۴۱۹: ۳۵۵/۱۸؛ رشتی، بی تا: ص ۱۹؛ نائینی، ۱۳۷۳: ۱۱۷/۱) در نتیجه اتلاف منافع اعضا مشمول این قاعده خواهد بود.

دلیل پنجم: اصل عدم تداخل

اصل عدم تداخل که از اصول مورد قبول در فقه و قانون در باب دیات است (طوسی، بی تا: ۲۳۴/۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ص ۴؛ م ۴۴۶ ق. م. ۱) برای اثبات دیه و ارش برای منافع تبعی می تواند مورد استناد قرار گیرد. طبق این اصل هر گاه جراحتی مستقل از جراحت دیگر بود باید موضوع دیه و ارش مستقلی قرار گیرد و نمی توان بدون دلیل قابل اتکا قائل به تداخل دیه و ارش آسیب دوم در آسیب اول شد. این قاعده نسبت به منافع نیز قابل جریان است در نتیجه با زوال منافع مستقل از عضو آسیب دیده نباید قائل به تداخل دیات شد.

نقد ادله ثبوت ارش

نقد استدلال به روایات ضمان منافع و ارش

استدلال به روایات مذکور برای اثبات ضمان با این چالش مواجه است که آیا در شریعت، زوال فعلی منفعت موضوع دیه و ارش است یا زوال شأنی؛ اگر زوال فعلی موضوع باشد هر گونه مانعی از استفاده از عضو می تواند موضوع ارش و دیه باشد ولی اگر زوال شأنی موضوع باشد در این صورت باید عضو مقتضی استفاده از آن را از دست بدهد به تعبیر

دیگر خود عضو دارای نقضی باشد که نتوان از آن بهره برد در این صورت، ایجاد منافع از استفاده موضوع دیه و ارش نخواهد بود؛ زیرا خود عضو شأنت بهره برداری را از دست نداده است. بر اساس ظاهر روایات مذکور زوال شأنی منافع موضوع دیه و ارش است و نسبت به زوال شأنی ایراد سخن نشده است؛ چرا که موضوع روایات زوال منافع ناشی از آسیب به عضو و اختلال در عملکرد آن است. با عنایت به این اشکال، اثبات ارش در این مسئله نه با روایات مربوط به ضمان منافع ممکن است نه با روایات مربوط به ارش.

اثبات زوال منافع تبعی بواسطه استدلال به قاعده ارش نیز، با چالش همراه است؛ چرا که اصل این قاعده، اصطیاد از روایت مذکور و همچنین روایاتی است که نسبت به برخی از موارد خاص که امکان تعیین مقدار دقیقی برای آنها وجود نداشته مانند شکستگی همراه با بهبودی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۰/۷) حکم به پرداخت ارش شده است و دلالت این روایات بیش از تعیین ارش برای شکستگی ها و جراحات نیست.

نقد استدلال به قاعده اتلاف

موضوع قاعده اتلاف در جایی است که قبل از تلف، مضمون بودن مال یا حق تلف شده ثابت باشد و اساساً با این قاعده امکان اثبات مضمون بودن یک شیء وجود ندارد بلکه در صورتی که مضمون بودن ثابت باشد ضمان تلف کننده با این قاعده به اثبات می رسد به بیان دیگر حکم موضوع ساز نیست و نمی توان از قاعده مربوط به حکم ضمان، مضمون بودن موضوع را اثبات کرد.

نقد استدلال به قاعده عدم بطلان حق مسلمان

استدلال به این روایت برای عدم هدر بودن حقی که مضمون بودن آن از قبل ثابت است صحیح است ولی نمی توان مضمون بودن حقی را با آن ثابت کرد بنابراین این استدلال نیز مبتلا به اشکال سابق الذکر است.

نقد استدلال به اصل عدم تداخل

اشکالات مختلفی برای استناد ضمان دیات تبعی به اصل عدم تداخل قابل طرح است. اولاً استناد به اصل در مواردی قابل توجیه است که دلیل اجتهادی در بین نباشد بنابراین با وجود ادله برای عدم ضمان نوبت به اصل نمی رسد.

ثانیاً همان طور که قبلاً اشاره شد حکم، موضوع ساز نیست و ابتدا باید مضمون بودن آسیب یا زوال منفعت ثابت باشد تا بتوان به سراغ اصل عدم تداخل رفت.

ادله نظریه عدم تعلق دیه و ارش

نظریه عدم تعلق دیه و ارش بر زوال تبعی منافع که در بین فقهای معاصر از طرفداران بیشتری برخوردار است مسئولیت جانی نسبت به زوال تبعی را رد می کند.

دلیل اول: ظهور سکوتی ادله دیات

ظهور روایات مطرح شده بر تعلق دیه و ارش بر منافع فعلی و سکوت آنها نسبت به ضمان زوال تبعی منافع، دال بر عدم مشروعیت چنین ضمانی در نزد شریعت است؛ چرا که در هیچ یک از روایات مربوط به دیه، جراحات و شکستگی‌ها از جمله شکستن ساعد، کف، انگشتان و استخوان که نوعاً با بهبودی مواجه است اشاره به ضمان منافع آنها نشده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۴۳۵). چنین رویکردی به طریق اولویت دال بر عدم وجود ضمان نسبت به منافع تبعی است؛ به دیگر سخن طبق ظهور این روایات دیه و ارش تعیین شده در مقابل آسیب و جراحی است که به خود عضو وارد شده (پورصدقی و امیدی فرد، ۱۴۰۱: صص ۱۲۵-۱۴۶) و این حاکی از عدم وجود ارش و دیه‌ای برای منافع اعضا مازاد بر دیه و ارش خود عضو است.

دلیل دوم: اصل عدم

لازمه توقیفی بودن دیه و ارش این است که اثبات آن نیازمند دلیل قابل اتکا از شریعت است و از سوی دیگر اصل بر عدم ضمان است. اصل عدم به عنوان یک قاعده و اصل عقلایی و همچنین اصل عملی، مبنی بر اینکه تا زمانی که دلیل کافی بر ضمان زوال منافع، اقامه نگردد حکم به ضمان نمی‌گردد و سکوت روایات و عدم تصریح به تعلق دیه و ارش بر زوال منافع تبعی، زمینه رجوع به این اصل را فراهم می‌سازد.

اصل عملی برگرفته از اصل براءت ذمه و استصحاب عدم ثبوت ارش است؛ نحوه استناد به استصحاب اینکه قبل از حدوث آسیب و تلفات بر گردن شخص ارشی ثابت نبود و بعد از وقوع آسیب، تعلق ضمان منافع تبعی مورد تردید است و دلیلی نیز از ادله اجتهادی نسبت به آن یافت نشد. در نتیجه استصحاب عدم تعلق ارش جاری می‌گردد.

نقد ادله نظریه عدم تعلق دیه و ارش

نقد دلیل اول: ظهور سکوتی ادله دیات

برداشت از سکوت روایات با این اشکال مواجه است که آن منافی که موضوع دیه مستقل نیستند منافع ملازم عضو می‌باشند ولی منافع غیر ملازم، موضوع این روایات نبوده و در نتیجه سکوت این روایات برای اثبات عدم تعلق دیه و ارش قابل استناد نیست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد هیچ یک از ادله ارائه شده برای ضمان ارش منافع تبعی قابل استناد در این مسئله نیست؛ چرا که روایات ارش و ضمان منافع ظاهر در آسیب‌های مربوط به اعضا می‌باشند و قواعد اتلاف و عدم بطلان حق مسلم نیز مربوط به حقوقی هستند که قبلاً مضمون بودن آنها مفروغ است. بنابراین بر اساس توقیفی بودن دیه و ارش و با توجه به اصل عدم تعلق دیه و ارش مازاد دیدگاه عدم ثبوت دیه و ارش بر منافع تبعی منافع اختصاصی مغز قابل دفاع است.

ه. منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

۱. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی.

۲. غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع

۳. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان.

۴. حاشیه کتاب المکاسب

۵. شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی

۶. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی
۷. تنقیح مبانی الاحکام.
۸. ضربه های مجسمه و مغز
۹. قواعد فقه دیات
۱۰. وسائل الشیعه
۱۱. هدايه الامه الى احکام الائمه
۱۲. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام
۱۳. تحریر الأحکام الشرعیة
۱۴. قواعد الاحکام
۱۵. مختلف الشیعة
۱۶. تحریر الوسيله
۱۷. کتاب البیع
۱۸. جامع المدارک
۱۹. مبانی تکملة المنهاج
۲۰. احکام الديات فی الشریعه الاسلامیه الغراء .
۲۱. غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد
۲۲. الفتاوی الجديدة (المکارم)
۲۳. من لا یحضره الفقیه
۲۴. غایة المرام
۲۵. ریاض المسائل
۲۶. المبسوط فی فقه الإمامیه
۲۷. تهذیب الأحکام.
۲۸. الخلاف
۲۹. الفهرست (للشیخ الطوسی)

۳۰. اصول تعیین نقص عضو و ارش

۳۱. مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه
۳۲. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام
۳۳. حقوق جزای پزشکی
۳۴. التعليقه على تحرير الوسيله
۳۵. جواهرالكلام فی شرح شرائع الإسلام.
۳۶. اپیدمیولوژی صدمات مغزی بیماران بستری.
۳۷. ترتب ارش بر زوال موقت منافع اعضا
۳۸. ارتباط تغییرات آهن مایع مغزی نخاعی با آسیب مغز متعاقب ضربه مغزی

خلاصه طرحنامه شامل همه موارد از (الف تا ه) بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشد.